

بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان شناخت از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر دزفول

داریوش رضاپور^۱، اسحاق ارجمند سیاهپوش^۲

چکیده

هدف اصلی از این پژوهش بررسی رابطه میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان شناخت و آگاهی از حقوق شهروندی در پنج حوزه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، جنسیتی و فرهنگی در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر دزفول در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ است. روش تحقیق پیمایشی بوده و با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، حجم نمونه ۴۰۰ نفری تعیین گردید. روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای تصادفی بوده و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردیده است. تجزیه و تحلیل یافته‌ها افزون بر آمار توصیفی، ضریب همبستگی اسپیرمن، آزمون t، آنالیز واریانس، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان شناخت از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. در این میان بیشترین تأثیر را میزان تحصیلات و جنسیت داشته و میان سن، وضعیت اشتغال و درآمد با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معناداری مشاهده نشد.

واژگان کلیدی: شهروندی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، میزان آگاهی، شغل، تحصیلات.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۲

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (Email: D.rezapour@gmail.com)

^۲ استادیار گروه روان‌شناسی، واحد اندیشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیشک، ایران (نویسنده مسئول) (Email: E.arjmand@yahoo.com)

مقدمه و بیان مسئله

مطالعه شهروندی^۱ گرچه موضوعی است که به جهان باستان برمی‌گردد اما مطالعه آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین مباحث در فلسفه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی از یک‌سو و تنظیم روابط میان اعضای جامعه و دولت از سوی دیگر، پدیده‌ای جدید و نو پا است. شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و وظایف منعکس می‌سازد و چارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند (فالكس، ۱۳۸۱). شهروندی به‌عنوان اصلی که بر روابط دولت و اعضای جامعه نظارت می‌کند، از سویی به امتیازات دولت و حقوق افراد و از سوی دیگر به مناسبات و فرایندهای تاریخی اشاره دارد. بااینکه شهروندی پایگاه و اعتبار فرد را در جامعه تعیین می‌کند، اما هم‌چنان بر بسترهای اجتماعی که شخص در آن رفتار می‌کند، تأکید دارد (نوابخش و بذرافشان، ۱۳۹۳: ۶۰). در نظام‌های سیاسی دمکراتیک امروزی که بر مشارکت افراد در امور سیاسی بنانهاده شده‌اند، شناخت و آگاهی شهروندان از جایگاهی که در جامعه دارند، حقوقی که از آن برخوردارند و تعهدات و وظایفی که در قبال دیگران دارند، امری لازم و ضروری است. مشارکت، حقوق، تعهدات و وظایف شهروندی اجزای اساسی مفهوم شهروندی‌اند و بدون آن‌ها شهروندی به موضوعی بدون محتوا تبدیل خواهد شد. بی‌تردید زندگی سیاسی و اجتماعی امروز در سراسر کشورهای دنیا با توجه به پیچیدگی ارتباطات و تنش‌های به وجود آمده مستلزم یادگیری قواعد آن است. بدون قواعد و بدون یادگیری قواعد زندگی اجتماعی و سیاسی، نظم شهروندی و شهری به هم می‌خورد. احترام شهروندان به یکدیگر، احترام به‌حق و حقوق همدیگر، روش‌های دمکراتیک برقراری ارتباط، آداب صحبت کردن، تساهل و تسامح نسبت به عقاید یکدیگر، اقامه مدرک و دلیل پیش از صحبت کردن، خود را به‌جای دیگری نگذاشتن، عدم تحمیل عقاید، احترام به برابری و فرصت‌های برابر در چارچوب ارزش‌های حاکم بر جامعه و کثرت‌گرایی اصول ارزشمندی هستند که در جوامع شهری امروزی بیش از پیش به آن‌ها نیاز است (ابراهیمی و شهبازی، ۱۳۹۱: ۷).

در این میان حقوق شهروندی^۲ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بدون حداقلی از حقوق، شهروند به یک تبعه یا رعیت فرو کاسته می‌شود. برخورداری از حقوق شهروندی وابسته به عوامل گوناگونی است، یکی از مهم‌ترین این عوامل شناخت و آگاهی شهروندان از حقوق و مسئولیت‌های شهروندی است. اعضای جامعه ضمن آشنایی و آگاهی از حقوق خود، قادر می‌شوند با گفت‌وگو و عمل مناسب و مؤثر، دولت و سازمان‌های مدیریتی و اجرایی را در پاسخ‌گویی و شفافیت سوق دهند. همچنین با انجام تعهدات و مسئولیت‌های خود موجب افزایش فضای قابلیت‌زا برای رشد و توسعه انسان از یک‌سو و زندگی بهتر و رفاه بیش‌تر از سوی دیگر شوند. در حقیقت، حل مسائل و مشکلات اجتماعی مانند حفظ محیط‌زیست، بزهکاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی، مسائل و مشکلات شهری و ... با انجام تکالیف شهروندی و بهره‌مندی از حقوق و امکانات زندگی مانند فضاهای فرهنگی، تفریحی، خدماتی مناسب‌تر میسر خواهد شد (محمدی و شیبانی، ۱۳۹۲: ۱۲).

با آگاهی از حقوق شهروندی است که می‌توانیم شاهد کاهش مشکلات اجتماعی و شهری، رفع نیازها و انتظارات متعدد و متنوع افراد و پیش‌گیری از فساد در جامعه باشیم و البته این خود مستلزم اتخاذ تدابیر و سیاست‌های متناسب با آن است. نکته بسیار قابل‌تأمل، این است که آگاهی قشرها و گروه‌های مختلف اجتماعی از حقوق شهروندی، تأثیرات بسیار متفاوتی بر جامعه به‌جای می‌گذارد. در این میان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی و مطالبات آنان جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. دانشجویان قشر ممتاز هر جامعه هستند بیشتر برگزیدگان و سرآمدان از میان آن‌ها برمی‌خیزند. این گروه در شکل‌دهی به آگاهی مردم از حقوقشان نقش مؤثری داشته و از توانایی فراوانی در ایجاد تحرک و جریان‌سازی در افکار عمومی و مشارکت در امور جامعه برخوردارند. در نتیجه به‌منابه گروه مرجعی به شمار می‌روند که افراد نگرش‌ها و رفتارهایشان را از آنان اقتباس می‌کنند. در

¹ Citizenship

² Citizenship rights

شرایط فعلی، دانشجویان از یک سو در معرض تغییرات پدید آمده در ایران و جهان هستند و از سوی دیگر تحت تأثیر موقعیت و پایگاه اجتماعی-اقتصادی خود و خانواده‌هایشان هستند.

شناخت و آگاهی شهروندان، خود نیز معلول عوامل متعددی مانند آموزش مدرسه‌ای و رسانه‌ای است. یکی از این عوامل که به نظر می‌رسد رابطه و همبستگی بالایی با آگاهی از حقوق شهروندی داشته باشد، پایگاه اجتماعی-اقتصادی است که فرد در جامعه دارد. پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر اساس سه شاخص میزان ثروت (درآمد و دارایی خود و خانواده)، شغل و میزان تحصیلات مشخص می‌شود. بر این اساس این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که با توجه به این که دانشجویان، پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوتی در جامعه دارند، آیا این عامل رابطه معنی‌داری با میزان شناخت آن‌ها از حقوق شهروندی‌شان دارد و از این نظر آیا تفاوتی بین زنان و مردان دانشجو وجود دارد یا خیر؟

پیشینه پژوهش

- بهرامی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهرستان پلدختر)" به بررسی میزان آگاهی دانش‌آموزان از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن پرداختند. روش پژوهش از نوع پیمایشی - توصیفی، هدف آن کاربردی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه و مصاحبه است. در این پژوهش، متغیر وابسته میزان آگاهی از حقوق شهروندی است که با ابعاد آگاهی از حقوق مدنی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و جنسیتی موردسنجش قرار گرفته‌اند. نتایج نشان داد میزان آگاهی دانش‌آموزان از کلیه حقوق شهروندی متوسط و زیاد می‌باشد. در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، بعد اجتماعی بیشترین و بعد سیاسی حقوق شهروندی کمترین میزان آگاهی از حقوق شهروندی را داشته‌اند. علاوه بر این پژوهش نشان داد که بین جنسیت، نوع تحصیلات، میزان عضویت در انجمن‌ها و کانون‌های مدرسه، تحصیلات والدین، مکان (روستا یا شهر) و استفاده از رسانه‌های جمعی با میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بخارایی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی (مطالعه موردی: شهروندان تنکابن)" به دنبال تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی در شهر تنکابن و مطالعه عوامل تأثیرگذاری همچون سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی بر شهروندی فرهنگی بود. نتایج پژوهش نشان داد شهروندان از سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی بالایی برخوردارند ولی در فرهنگ شهروندی تمایل شهروندان برای انجام تعهدات آن بیشتر از میزان آگاهی از حقوقی است که دارند. طبق نتایج فرضیه‌های موجود، افزایش در سرمایه فرهنگی شهروندان بر میزان فرهنگ شهروندی افراد تأثیرگذار بوده و فرهنگ شهروندی که شامل آگاهی از حقوق و تمایل برای انجام تعهدات شهروندی است بر متغیر وابسته شهروندی فرهنگی تأثیر مستقیم (۰/۴۷) و سرمایه فرهنگی فقط تأثیر غیرمستقیم (۰/۴) بر شهروندی فرهنگی داشته‌اند.
- شیانی و سپهوند (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان "رسانه و شهروندی"، مطالعه تأثیر استفاده از رادیو و تلویزیون بر آگاهی از حقوق شهروندی در شهر خرم‌آباد، به دنبال تأثیر استفاده از رادیو و تلویزیون بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی بودند. نتایج نشان داد که دانشجویان به‌عنوان قشر تحصیل کرده جامعه از آگاهی متوسط و روبه پایین نسبت به حقوق شهروندی خود برخوردارند. این در حالی است که نهاد تعلیم و تربیت نقش بسیار مهمی را در افزایش آگاهی افراد از حقوق شهروندی بر عهده دارد. نهادی که از طرفی افراد را آموزش می‌دهد و آنان را با حقوق و مسئولیت‌ها آشنا می‌کند و از طرف دیگر شیوه‌های تأمین این حقوق و مسئولیت‌ها را آموزش می‌دهد.
- فتحی و مطلق (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان" در پی بررسی میزان تأثیر جنسیت، سن، رشته تحصیلی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر آگاهی

دانشجویان از حقوق شهروندی بودند. نتایج پژوهش نشان داد میزان آگاهی از حقوق شهروندی دانشجویان در سطح پایینی نسبت به جامعه قرار دارد. علاوه بر این در میان ابعاد مختلف حقوق شهروندی، آگاهی کمتری نسبت به بعد سیاسی حقوق شهروندی وجود دارد و در بعد مدنی افراد آگاهی بیشتری داشته‌اند.

▪ نوابخش و بذرافشان (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "بررسی میزان سنجش توسعه پایدار شهری در شهر شیراز در ده سال اخیر" به دنبال سنجش مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری شهر شیراز در ده سال گذشته بودند. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان استفاده از رسانه‌های جمعی، میزان مطالعه، میزان مهارت‌های اجتماعی، میزان حکمرانی خوب، رفتار زیست محیطی، تمایل به مشارکت، میزان حقوق شهروندی، میزان استفاده از اوقات فراغت و میزان مشارکت اجتماعی با توسعه پایدار شهری دارای همبستگی می‌باشند. این متغیرها روی هم رفته ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

▪ زمرلی^۱ (۲۰۱۰) در پژوهش خود با عنوان "سرمایه اجتماعی و هنجارهای شهروندی" به دنبال رابطه سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی با گرایش به هنجارهای شهروندی (مشارکت، استقلال فردی، نظم اجتماعی و همبستگی اجتماعی) بود. طبق یافته‌های او با وجود رابطه مثبت ابعاد سرمایه اجتماعی بر هنجارهای مشارکت و شهروندی اجتماعی، رابطه اعتماد و هنجارهای نظم اجتماعی و استقلال فردی پیچیده‌تر بوده است. بر اساس شواهد به دست آمده، افرادی با اعتماد پایین‌تر به دیگر شهروندان، مبتنی بر دیگری تعمیم یافته و اعتماد بالاتر به نهادهای سیاسی، بیشتر به هنجار نظم اجتماعی قائل بودند.

▪ کوتزیان^۲ (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "هنجارهای شهروندی: کاوشی در عوامل تعیین کننده هنجارها در سطوح سیستمی و فردی" چنین نتایجی گرفت، هنجارهای شهروندی به دلیل تأثیر جدی آن‌ها بر یکپارچگی اجتماعی و عملکرد دموکراسی باید به عنوان بایسته‌ی اجتماعی دموکراسی دیده شوند، وی به سراغ بررسی عواملی رفته است که در اهمیت یافتن هنجارها برای افراد جامعه نقش داشته‌اند. او هنجارهای شهروندی را به سه دسته تقسیم می‌کند: انسجام اجتماعی، وظیفه مدنی و درگیری مدنی. کوتزیان با کمک متغیرهای سطح سیستمی و تأثیر آن‌ها بر هنجارهای شهروندی به مقایسه کشورهای مختلف باهم پرداخته است و با کمک سطوح فردی متغیرهای هنجاری درون کشورها را توضیح داده است.

▪ برون و کریستینسن^۳ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان "سیاست گذاری‌های شهری و حق نسبت به شهر: حقوق وظایف و شهروندی" بر این باور بودند که اهمیت شهروندی شهری در این است که برخلاف شهروندی دولت ملت که کاملاً سیاسی و فقط شامل بومی‌ها آن‌هم با تعلقات ملی می‌شود، شهروندی شهری شامل تمام افرادی است که فارغ از بومی بودن، بومی نبودن و اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، زبانی، تاریخی، ساکن شهر هستند. آنان از حقوق و وظایف برابر در شهر برخوردارند. بر این اساس حس تعلق به شهر و مسئولیت در برابر آن؛ داشتن حق و مسئولیت متقابل نسبت به هم و به شهر شورای شهر و شهرداری؛ داشتن هویت مشترک شهری از محل زندگی به عنوان محور تمام فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها و مشارکت جدی در تمام صحنه‌های زندگی شهری است.

مبانی نظری

شهروندی ایده‌ای است زاینده‌ی اروپای غربی که در قرن نوزدهم هم‌زمان با فراگیر شدنش انتشار یافت، اما سرآغاز توجهات جدید به شهروندی را می‌توان در پی انتشار رساله‌ی جامعه‌شناس انگلیسی تی.اچ. مارشال^۴ در سال ۱۹۵۰ دانست. شهروندی

¹ Zmerli

² Kotzian

³ Brown & Kristiansen

⁴ Marshall, T.H.

به‌ضرورت حاصل سیاست مدرن و پیامد اجتماعی-سیاسی انقلاب فرانسه و انقلاب صنعتی است. بدین معنی شهروندی تمامی دگرگونی‌های حاصل از تبدیل جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی صنعتی است (نوابخش، ۱۳۸۵: ۱۸). شهروندی، به معنای باستانی کلمه، بر مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال، دلالت داشت. به باور ارسطو شهروند کسی است که حق اشتغال به وظایف دادرسی و احراز مناصب را داشته باشد؛ لذا شهروند کسی است که در امور جامعه مشارکت دارد (ارسطو، ۱۳۷۱: ۱۰۲). علاوه بر این گیدنز شهروند را عضو یک اجتماع سیاسی که دارای حقوق و وظایفی در ارتباط با این عضویت است تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۹۲).

ماکس وبر شهروندی را به لحاظ تاریخی با رشد دولت-شهرهای یونان باستان در ارتباط می‌داند. جایی که فضایی عمومی برای ارتباط آزاد و عقلانی میان کنشگران اجتماعی فراهم می‌ساخت مفهوم شهر و تکامل تاریخی هرم‌های مستقل در تکوین نوعی تفکر تلفیقی در مورد آزادی، فردیت، مدنیت نقش حیاتی داشته است. وی این مشخصه را منحصر به غرب می‌دانست. از نظر وبر، شهروندی در شهرها شکل گرفته است و شهروند بودن به معنای توانایی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران بود و امتیازات ویژه آن‌ها شامل حق شهروندی به انضمام انحصار بازار، حقوق تجارت آزاد، جواز مبادله و حق کاهش دادوستد رقابت‌آمیز، مشارکت در امور قضایی و موقعیت‌های ویژه برای مقاصد چون اهداف نظامی بود؛ بنابراین، وبر بیشتر بر حق سیاسی شهروندان مانند حق رأی و انتخاب نمایندگان توجه داشته است و مشارکت شهروندان را رکنی اساسی در این زمینه می‌داند (ذکائی، ۱۳۸۰: ۶۹).

پارسونز شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنای برخورداری همه قشرها و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران هم این حقوق را محترم بشمارند. به‌زعم وی گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهنشان تأکید و دیدی خاص گرایانه دارند، خود را با مقتضیات زمان و شرایط اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از "حقوق شهروندی" ندارند (حسام، ۱۳۸۱: ۱۱).

به نظر هابرماس حقوق شهروندی در نظام حقوقی مدرن قابل‌شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن را حقوق فرد می‌سازد. از طرفی شهروندان باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و بر اساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند. او حرکت جهان حاضر را به سمتی می‌داند که همه شهروندان باید به شکل دموکراتیک و فعال در آن به ایفای نقش بپردازند لذا باید از حقوق خود آگاهی داشته باشند این مهم با حضور همه شهروندان فارغ از تعلقات قومی، نژادی و جنسی در حوزه عمومی و بحث پیرامون حقوق شهروندی میسر می‌شود. به عقیده هابرماس حکومت نیز باید نقشی اساسی در پرورش شهروندان آگاه و متعهد داشته باشد و زمینه را برای رشد کامل استعدادهای فردی فراهم کند از این نظر رابطه مشارکت و آگاهی از حقوق شهروندی یک رابطه دوطرفه است. از یک طرف مشارکت سبب افزایش آگاهی شهروندان از حقوق خود می‌شود و از طرف دیگر آگاهی از حقوق شهروندی به‌عنوان محرکی برای افزایش مشارکت افراد در جامعه است و در تبدیل آن‌ها به آدمیان بهتر و به تبع آن در شکل‌گیری جامعه‌ای رو به رشد کمک می‌کند (شیانی و سپهوند، ۱۳۹۴: ۱۹۷).

به باور مارشال شهروندی دربردارنده سه نوع حقوق است: مدنی، سیاسی، اجتماعی. از نظر او این حقوق طی سه مرحله تاریخی شکل گرفته‌اند: در مرحله اول، حقوق مدنی که عبارت‌اند از حقوق مربوط به حفظ آزادی‌های فردی، شامل آزادی شخصی، آزادی بیان اندیشه و عقیده، حق مالکیت شخصی، حق انعقاد قراردادهای معتبر و حق برخورداری از عدالت، شکل گرفته‌اند. او معتقد بود که به خاطر ایجاد نهادهای مدرن دادگاه‌های مدنی و جزایی، حقوق مدنی در قرن هجدهم شروع به توسعه نمود. در مرحله دوم، حقوق سیاسی که دربردارنده حق «مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به‌عنوان یکی از اعضای نهاد برخورداری از اقتدار

سیاسی و یا به‌عنوان یکی از انتخاب‌کنندگان اعضای چنین نهادی هست» شکل گرفتند. به عقیده او این حقوق که قبلاً تعداد محدودی از آن برخوردار بودند، تنها در قرن بیستم با گسترش حق رأی عمومی برای همه افراد بالغ، به حقوق شهروندی تبدیل شدند. این اصلی را ایجاد کرد که بر اساس آن، حقوق فوق‌نه مبتنی بر ابزار اقتصادی بلکه مبتنی بر وضعیت شخصی بودند. حقوق سیاسی برحسب نهادها دربردارنده توسعه مجلس و شوراهای حکومت محلی بودند که در قرن نوزدهم تشکیل شدند. در مرحله سوم، حقوق اجتماعی شکل گرفتند. مارشال معتقد بود که حقوق اجتماعی در قرن بیستم در شکل مدرن خود با ایجاد نهادهای دولت رفاه شامل نظام ملی آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی، توسعه یافتند. از نظر وی عنصر اجتماعی عبارت است از «طیف وسیعی از حقوق که حق برخورداری از حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت تا حق برخورداری کامل از میراث اجتماعی و حق زندگی به‌عنوان یک موجود متمدن طبق معیارهای حاکم بر یک جامعه را دربر می‌گیرد» (نش، ۱۳۸۰: ۱۹۳).

فمینیست‌ها نیز عمده بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می‌کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوق فراتر از حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. حقوق جنسیتی بر محور حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، سیاسی، مدنی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود (داود وندی، ۱۳۸۹: ۵). یکی دیگر از موضوعات مجادله برانگیز و پرده‌مانه پیرامون حقوق و مسئولیت‌های شهروندی، مجادلات و مناقشات میان لیبرال‌های فردگرا از یک‌سو و جماعت‌گرایان از سوی دیگر است. در ارتباط با بحث شهروندی لیبرال‌های فردگرا شهروندی را درخور فرد مستقل و خودمختار می‌دانند و تأکیدشان بر حقوق، آزادی و عقلانیت خود بنیاد فرد است در مقابل جماعت‌گرایان شهروندی را درخور فرد مشارکت‌جو و وابسته به اجتماع می‌دانند و تأکیدشان بیشتر بر وظایف و تعهدات و عدالت اجتماعی است. فردگرایان بر تقدم فرد بر جامعه و جماعت‌گرایان بر تقدم جامعه بر فرد تکیه دارند (ایران‌منش، ۱۳۹۴).

فرضیه‌های پژوهش

- بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین میزان درآمد دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین وضعیت اشتغال دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین جنسیت دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.
- بین سن دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش مبتنی بر روش «پیمایش» است. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش اسنادی، فیش‌برداری و استفاده از اینترنت است و در بخش پیمایشی استفاده از «پرسشنامه» می‌باشد. در پرسش‌نامه تهیه‌شده ده گویه اول مربوط به سنجش متغیرهای مستقل و اطلاعات زمینه‌ای مانند جنسیت، تحصیلات، درآمد و وضعیت اشتغال بود. چهل گویه بعدی آگاهی از حقوق شهروندی را به‌عنوان متغیر وابسته سنجید. بر این اساس برای متغیر حقوق شهروندی پنج بُعد در نظر گرفته شد که برای بُعد حقوق مدنی ۱۷ گویه، حقوق سیاسی ۱۰ گویه، حقوق اقتصادی-اجتماعی ۶ گویه، حقوق فرهنگی ۴ گویه و حقوق جنسیتی ۳ گویه در نظر گرفته شد. این گویه‌ها بر اساس طیف لیکرت تنظیم شده و میزان آگاهی از حقوق شهروندی را در یک طیف پنج‌گزینه‌ای کاملاً موافق تا مخالف در برمی‌گیرد. جامعه آماری در این تحقیق ۱۲۰۰۰ نفر از دانشجویان مقاطع مختلف که در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ در دانشگاه‌های دزفول به تحصیل مشغول بوده‌اند، می‌باشد. حجم نمونه مناسب حدود ۳۷۵ نفر است؛ اما در نهایت برای رعایت احتیاط حدود ۴۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. با توجه به ماهیت جامعه آماری، بهترین روش نمونه‌گیری برای چنین جامعه‌ای روش

نمونه‌گیری سهمیه‌ای تصادفی است. برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ^۱ استفاده به عمل آمده است. آلفای کرونباخ هر کدام از متغیرهای در جدول زیر آورده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن، آنالیز واریانس و تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده و در نهایت از نرم‌افزار SPSS 22 بهره گرفته‌ایم.

جدول (۱): آلفای کرونباخ متغیرهای مورد سنجش

متغیر	ابعاد	مقدار آلفای کرونباخ
حقوق شهروندی	حقوق مدنی	۰/۶۹۵
	حقوق سیاسی	۰/۶۳۸
	حقوق اجتماعی-اقتصادی	۰/۶۲۰
	حقوق فرهنگی	۰/۶۹۵
	حقوق جنسیتی	۰/۷۲۵

تعریف متغیرهای پژوهش

آگاهی از حقوق شهروندی: آگاهی^۲ عبارت است از وارد شدن وجود یا واقعیت پدیده‌ها به ذهن، یا قرار گرفتن پدیده‌ها در وضع یا موقعیتی در چارچوب ادراک، درجه این ورود به ذهن حواس ظاهری هست. آگاهی و ادراک زمانی حاصل می‌شود که ما از طریق حواس پنج‌گانه به وجود شیء، حالت یا وضعیت خاصی پی ببریم (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۸). حقوق شهروندی مجموعه‌ای از مصونیت‌ها، آزادی‌ها و امتیازات، مطالبات و منافع، اختیارات و سلطه‌ای است که فرد با قرار گرفتن در موقعیت شهروندی از آن برخوردار می‌شود و در نتیجه به شهروند محق یا صاحب حق تبدیل می‌شود. این حقوق قابل احصا نیستند و در دوره‌های مختلف زمانی و در بسترهای متفاوت سیاسی تغییر می‌کنند (ایران‌منش، ۱۳۹۴: ۴۰). در این پژوهش برای عملیاتی کردن متغیر آگاهی از حقوق شهروندی، آن به پنج بُعد حقوق مدنی، حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی-اجتماعی، حقوق فرهنگی و حقوق جنسیتی تقسیم شد.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی: پایگاه اجتماعی-اقتصادی موقعیتی است در جامعه و بیانگر آن است که فرد در کجای جامعه قرار دارد و چه رابطه‌ای با دیگران باید داشته باشد. در واقع، پایگاه اجتماعی مقام یا موقعیتی است که یک شخص در ساختار اجتماعی به اعتبار ارزیابی جامعه دریافت می‌کند؛ یعنی، آن تلقی و ذهنیتی که دیگران در جامعه از آنچه شخص هست، دارند (نیک گهر، ۱۳۸۳). در این پژوهش پایگاه اجتماعی-اقتصادی به وسیله متغیرهای تحصیلات، نوع شغل و میزان درآمد سنجیده می‌شود.

تحصیلات: منظور از تحصیلات انتقال دانش از یک نسل به نسل دیگر به وسیله آموزش مستقیم توسط سیستم آموزش همگانی و مدون، تحت نظر اساتید و اشخاص متخصص که سالیانی چند به طول می‌انجامد، می‌باشد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۷۹). در این پژوهش وضعیت تحصیلات با استفاده از مقطع تحصیلی، دانشگاه محل تحصیل و رشته تحصیلی سنجیده شده است.

درآمد: درآمد شامل دارایی‌هایی است که معمولاً ناشی از دستمزد، حقوق یا سرمایه‌گذاری است (گیدنز، ۱۳۷۶: ۸۰۱). درآمد ماهیانه مهم‌ترین عامل در این میان بوده است. میزان درآمد ماهانه فرد یا خانواده‌اش با توجه به وضعیت درآمدی جامعه به پنج دسته تقسیم شد: کمتر از یک میلیون تومان، بین یک میلیون و کمتر از سه میلیون تومان، سه میلیون و کمتر از ۵ میلیون تومان، پنج میلیون و بالاتر.

شغل: منظور از شغل وظایف مشابه و مرتبطی است که به عهده یک فرد در مقابل دریافت حقوق و دستمزد گذارده شده است. برای عملیاتی کردن آن از آنان پرسیده می‌شد شاغل هستند یا صرفاً دانشجوی.

¹ Cronbach's Alpha

² consciousness

یافته‌های پژوهش**یافته‌های توصیفی**

نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که ۵۸ درصد از پاسخگویان زن و ۴۲ درصد مرد هستند. همچنین ۷۱/۵ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، ۲۳ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴/۵ درصد در گروه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال و یک درصد در گروه سنی بالای ۵۰ سال قرار دارند. ۶۰/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۳۹/۵ درصد متأهل بودند. ۷۱ درصد پاسخگویان در مقطع لیسانس، ۲۷/۵ درصد در مقطع فوق‌لیسانس و ۱/۵ درصد در مقطع دکتری مشغول تحصیل بودند. ۷۴ درصد پاسخگویان در رشته علوم انسانی، ۹ درصد در رشته علوم ریاضی و فنی، ۱۵ درصد در رشته علوم تجربی و پزشکی و ۲ درصد در رشته هنر مشغول تحصیل بودند. ۷۱/۵ درصد در دانشگاه‌های دولتی روزانه، پیام نور و علمی-کاربردی، ۲۳/۵ درصد در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول به تحصیل بودند. ۳۱ درصد پاسخگویان شاغل، ۵۶ درصد بیکار (که در واقع صرفاً دانشجو بوده‌اند). ۳۰/۵ درصد پاسخگویان کمتر از یک میلیون تومان، ۵۵ درصد بین یک میلیون و کمتر از سه میلیون تومان، ۱۰ درصد بین سه میلیون و کمتر از ۵ میلیون تومان و ۴/۵ درصد بیشتر از ۵ میلیون تومان درآمد داشته‌اند. ۱۸ درصد پاسخگویان خود را متعلق به طبقه پایین، ۷۶ درصد طبقه متوسط و ۶ درصد خود را متعلق به طبقه بالا دانسته‌اند.

توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب ابعاد پنج‌گانه حقوق شهروندی

بنا بر یافته‌های پژوهش در بُعد حقوق مدنی، آگاهی مربوط به حق امنیت جان، مال، حیثیت، شغل و نظایر آن با ۹۷ درصد بیشترین میزان موافقت و در مقابل حق برگزاری علنی دادگاه و حضور افراد با ۱۶ درصد کمترین موافقت را داشت. در بُعد حقوق سیاسی، «حق رأی برابر برای همه شهروندان» با ۸۶ درصد بیشترین میزان آگاهی از حقوق سیاسی و در مقابل حق داشتن نظام دموکراتیک با ۶/۵ درصد کمترین میزان آگاهی از حقوق سیاسی را دارد. در رابطه با حقوق اجتماعی-اقتصادی، آگاهی و موافقت نسبت به حق «آموزش و حق فراهم نمودن شرایط و امکانات کار به منظور رسیدن به اشتغال کامل توسط دولت» با ۹۰ درصد بیشترین و حق «برخورداری از اطلاعات اقتصادی» با ۴۷ درصد کمترین میزان را داشته‌اند. در بُعد حقوق فرهنگی آگاهی از حق حفظ میراث تمدنی و فرهنگی با ۹۱ درصد بیشترین و حق مالکیت معنوی با ۲۳/۵ درصد کمترین میزان را داشته‌اند. در نهایت در بُعد حقوق جنسیتی نیز آگاهی از حق مشارکت زنان در سیاست، قانون‌گذاری و کارهای اجرایی با ۷۹/۵ درصد بیشترین و عدم اعمال خشونت علیه زنان و عدم به کارگیری کودکان هر کدام با ۶۴/۵ درصد کمترین میزان را داشته‌اند.

در مجموع یافته‌ها نشان داد که بیشترین میزان آگاهی با ۷۸/۱۶ درصد مربوط به حقوق اجتماعی-اقتصادی و کمترین آن‌ها با ۵۰/۱۱ درصد متعلق به حقوق سیاسی است. حقوق جنسیتی با ۶۹/۵ درصد، حقوق فرهنگی با ۶۳/۷۵ درصد و حقوق مدنی با ۶۱/۷۳ درصد به ترتیب بعد از حقوق اجتماعی-اقتصادی قرار گرفته‌اند. به نظر می‌رسد حقوق اجتماعی-اقتصادی از آنجا که رابطه مستقیم و تنگاتنگی با وضعیت رفاه و معیشت فرد دارد و فرد به‌طور روزانه درگیر پیامدهای ناشی از آن است، سبب شده است آگاهی به حقوق مربوط به آن از همه بیشتر باشد. با این وجود میانگین کلی میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه‌های دزفول برابر با ۶۴/۶۴ درصد است که متوسط رو به بالا و تاندازه‌ای نزدیک به بالا را نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد با توجه به دیگر پژوهش‌ها از متوسط جامعه بیشتر باشد.

یافته‌های استنباطی

فرضیه اول: بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد.

جدول ۲ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۲ پیداست ضریب همبستگی برابر (۰/۱۳۹) و سطح معنی‌داری برابر (۰/۰۰۴) می‌باشد. از آنجایی که ضریب همبستگی اسپیرمن بین آن‌ها مثبت است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر مستقیم

است. بدین معنی که هرچقدر افراد دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری باشند، میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی بیشتر خواهد شد.

جدول (۲): نتیجه آزمون فرضیه اول بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

متغیر مورد سنجش	ضریب همبستگی	سطح معنی داری (sig)	تعداد پاسخگویان
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	۰/۱۳۹	۰/۰۰۴	۴۰۰

فرضیه دوم: بین میزان درآمد دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. جدول ۳ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان درآمد دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۳ پیداست ضریب همبستگی برابر (۰/۲۶۱) و سطح معنی داری برابر (۰/۰۰۴) می‌باشد. از آنجایی که سطح معنی داری بیشتر از میزان قابل قبول است، می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان درآمد دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه‌ای وجود ندارد. لذا در این راستا از لحاظ آماری فرضیه دوم رد می‌شود.

جدول (۳): نتیجه آزمون فرضیه دوم بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

متغیر مورد سنجش	ضریب همبستگی	سطح معنی داری (sig)	تعداد پاسخگویان
درآمد	۰/۲۶۱	۰/۰۰۴	۴۰۰

فرضیه سوم: بین وضعیت اشتغال دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. جدول ۴ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین وضعیت اشتغال دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۴ پیداست ضریب همبستگی برابر (۰/۹۲۷) و سطح معنی داری برابر (۰/۰۰۷) می‌باشد؛ و از آنجایی که سطح معنی داری بیشتر از میزان قابل قبول است، می‌توان نتیجه گرفت که بین وضعیت شغلی دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه‌ای وجود ندارد. لذا در این راستا از لحاظ آماری فرضیه فوق مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

جدول (۴): نتیجه آزمون فرضیه سوم بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

متغیر مورد سنجش	ضریب همبستگی	سطح معنی داری (sig)	تعداد پاسخگویان
وضعیت اشتغال	۰/۹۲۷	۰/۰۰۷	۴۰۰

فرضیه چهارم: بین میزان تحصیلات دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. جدول ۵ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان تحصیلات دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. همان‌طور که از جدول ۵ پیداست ضریب همبستگی برابر (۰/۲۲۴) و سطح معنی داری برابر (۰/۰۰۱) می‌باشد. از آنجایی که ضریب همبستگی میان آن‌ها مثبت هست، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت رابطه بین دو متغیر مستقیم است، بدین معنی که با افزایش میزان تحصیلات میزان شناخت از حقوق شهروندی دانشجویان نیز افزایش خواهد یافت. لذا در این راستا از لحاظ آماری فرضیه چهارم تأیید می‌گردد.

جدول (۵): نتیجه آزمون فرضیه چهارم بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

متغیر مورد سنجش	ضریب همبستگی	سطح معنی داری (sig)	تعداد پاسخگویان
میزان تحصیلات	۰/۲۲۴	۰/۰۰۱	۴۰۰

فرضیه پنجم: بین جنسیت دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. با استناد به نتایج جدول ۶، نتایج آزمون t مستقل با دو نمونه متفاوت در خصوص میانگین حقوق شهروندی بین پاسخگویان زن (۱۳۷/۸۵۸) و مرد (۱۴۲/۹۰۳) می‌باشد و گویای آن است که هرکدام از گروه‌ها تفاوت معنی داری باهم داشته‌اند. یافته‌های به‌دست آمده حاکی است که آماره t برابر ۲/۷۸۶ و سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد. همچنین میانگین حقوق شهروندی هرکدام از گروه‌ها باهم یکسان نیست و یا هرکدام از گروه‌ها از میانگین مشابهی برخوردار نیستند. به تعبیر دیگر با توجه به بالاتر بودن میانگین آگاهی از حقوق شهروندی مردان نسبت به زنان می‌توان نتیجه گرفت که بنا بر داده‌های موجود، مردان از آگاهی بیشتری از حقوق شهروندی نسبت به زنان برخوردارند.

جدول (۶): نتایج آزمون t مستقل بین جنسیت پاسخگویان

Sig	T	خطای معیار		میانگین	تعداد	متغیر مورد سنجش	
		انحراف معیار	خطای معیار			زن	مرد
۰/۰۰۰	۲/۷۸۶	۰/۸۹۳	۹/۵۰۰	۱۳۷/۸۵۸	۲۲۶	جنسیت	
		۱/۷۲۸	۱۵/۷۴۶	۱۴۲/۹۰۳	۱۶۶		

فرضیه ششم: بین سن دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود دارد. جدول ۷ نتایج مربوط به ضریب همبستگی اسپیرمن بین سن دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. همان‌طور که پیداست بین سن و میزان شناخت دانشجویان از حقوق شهروندی رابطه وجود ندارد. با توجه به این که ضریب همبستگی اسپیرمن بین سن و میزان شناخت دانشجویان از حقوق شهروندی برابر با ۰/۸۸۹ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۶ است، می‌توان گفت رابطه معناداری بین دو متغیر سن و میزان شناخت دانشجویان از حقوق شهروندی وجود ندارد.

جدول (۷): نتیجه آزمون فرضیه ششم بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن

متغیر مورد سنجش	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری (Sig)	تعداد پاسخگویان
سن	۰/۰۰۶	۰/۸۸۹	۴۰۰

تحلیل واریانس یک طرفه

در راستای نتایج جدول شماره ۸، آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بین متغیرهای نوع دانشگاه با $F=۸/۱۹۴$ و $sig=۰/۰۰۰$ و وضعیت اشتغال پاسخگویان با $F=۲/۶۷۴$ و $sig=۰/۰۱۶$ معنی دار شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میانگین حقوق شهروندی در بین میزان تحصیلات و نوع دانشگاه پاسخگویان متفاوت می‌باشد. در نتیجه در این راستا متغیرهای مذکور بر میزان حقوق شهروندی دانشجویان دانشگاه‌های دزفول اثرگذار است. لذا در این راستا فرض تفاوت میانگین گروه‌ها رد می‌شود و در مقابل فرض آماری آن‌ها تأیید می‌شود.

همچنین بین متغیرهای سن پاسخگویان با $F=۱/۵۳۹$ و $sig=۰/۱۹۳$ ، وضعیت تأهل با $F=۰/۸۵۵$ و $sig=۰/۳۵۶$ ، میزان درآمد با $F=۰/۵۸۵$ و $sig=۰/۶۲۵$ معنی دار نشده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت میانگین آگاهی از حقوق شهروندی در بین سن پاسخگویان، وضعیت تأهل و درآمد متفاوت نیست. در نتیجه در این راستا متغیرهای مذکور بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی دانشجویان دانشگاه‌های شهر دزفول اثرگذار نیست. لذا در این راستا فرض تفاوت میانگین گروه‌ها تأیید می‌شود و در مقابل فرض آماری آن‌ها رد می‌شود.

جدول (۸): نتایج تحلیل واریانس یک طرفه

Sig	F	میانگین مربعات		منبع تغییرات	
		مجموع مجدورات	میانگین مربعات	منبع تغییرات	سن
۰/۱۹۳	۱/۵۹۳	۲۶۵/۲۲۱	۷۶۸/۶۶۴	واریانس درون گروهی	سن
		۱۶۰/۸۸۷	۳۰۸۹۰/۳۳۱	واریانس بین گروهی	
۰/۳۵۶	۰/۸۵۵	۱۳۸/۸۸۰	۱۳۸/۸۸۰	واریانس درون گروهی	وضعیت تأهل
		۱۶۲/۴۷۵	۳۱۵۲۰/۱۱۴	واریانس بین گروهی	
۰/۰۴۴	۲/۴۹۳	۳۹۲/۶۸۹	۱۵۷۰/۷۵۵	واریانس درون گروهی	میزان تحصیلات
		۱۵۷/۵۳۰	۳۰۰۸۸/۲۴۰	واریانس بین گروهی	
۰/۰۰۰	۸/۱۹۴	۱۱۵۹/۲۷۶	۴۶۳۷/۱۰۳	واریانس درون گروهی	نوع دانشگاه
		۱۴۱/۴۷۶	۲۷۰۲۱/۸۹۲	واریانس بین گروهی	
۰/۰۱۶	۲/۶۷۴	۴۱۲/۹۱۷	۲۴۷۷/۵۰۱	واریانس درون گروهی	وضعیت اشتغال
		۱۵۴/۳۹۹	۲۹۱۸۱/۴۹۴	واریانس بین گروهی	
۰/۶۲۵	۰/۵۸۵	۹۵/۶۵۴	۲۸۶/۹۶۲	واریانس درون گروهی	درآمد
		۱۶۳/۳۹۶	۳۱۳۷۲/۰۳۳	واریانس بین گروهی	

تحلیل رگرسیون چند متغیره

با استفاده از رگرسیون چند متغیره، محقق می‌تواند رابطه‌ی خطی موجود بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل با یک متغیر وابسته را به شیوه‌ای مطالعه نماید که در آن، روابط موجود فی مابین متغیرهای مستقل نیز مورد مطالعه قرار گیرند. در بررسی روابط آماری فرضیات مختلف تحقیق، متغیرها به صورت دوجه دو مورد تحلیل قرار گرفتند. حال برای مطالعه‌ی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته، از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام^۱ استفاده شده است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که از میان متغیرهای مستقل این پژوهش ۲ متغیر: درآمد؛ میزان تحصیلات؛ و همچنین از میان دو متغیر تعدیل گر دو متغیر: سن و جنسیت؛ وارد معادله رگرسیون شده‌اند. نتایج رگرسیون گام به گام در جدول شماره (۹) آمده است.

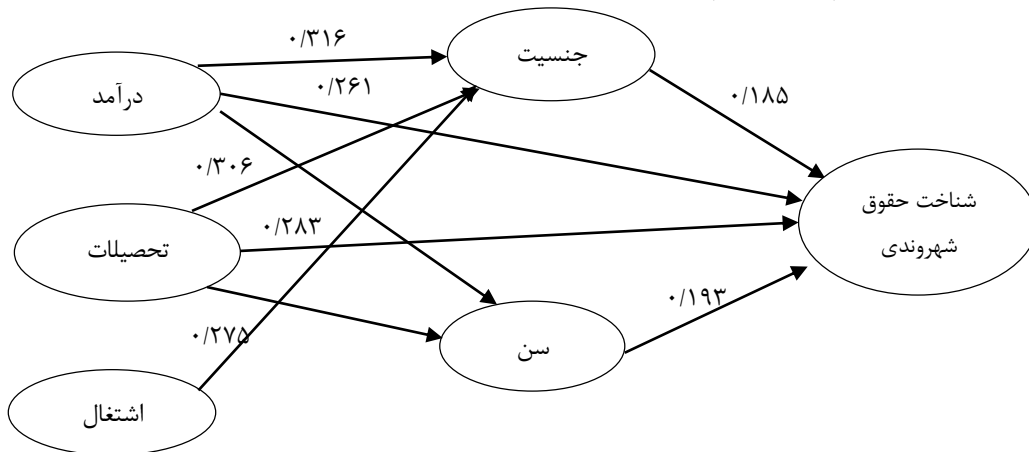
جدول (۹): نتایج رگرسیون گام به گام

متغیر مورد بررسی	B	Std. Error	β(Beta)	Sig. t
میزان تحصیلات	۰/۴۰۶	۱/۶۳۵	۰/۲۶۱	۰/۰۰۲
درآمد	۰/۱۲۲	۰/۰۴۰	۰/۱۵۰	۰/۰۰۰
سن	۰/۱۶۰	۰/۰۷۷	۰/۱۹۳	۰/۰۰۱
جنسیت	۰/۲۹۶	۰/۱۴۵	۰/۱۸۵	۰/۰۰۰
R ² = ۰/۶۹۱		R ² . Adjusted = ۰/۵۲۵		۰/۵۲۳

با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق و با توجه به بتاهای به دست آمده و معادله رگرسیونی بالا، بیشترین سهم از میزان آگاهی از حقوق شهروندان دانشجویان متعلق به میزان تحصیلات، با ضریب بتای ۰/۲۶۱ است و کم‌ترین سهم از آن مربوط به درآمد با بتای ۰/۱۵۰ است. همچنین سن نیز با بتای ۰/۱۹۳ و جنسیت با بتای ۰/۱۸۵. تأثیر خود را بر متغیر وابسته نشان می‌دهد.

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر تکنیکی است که همبستگی میان متغیرهای مستقل و وابسته را در قالب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم نشان می‌دهد. تحلیل مسیر بر پایه مجموعه‌ای از تحلیل رگرسیون چند گانه و بر اساس فرض ارتباط بین مستقل و وابسته استوار است. در پژوهش حاضر این تفکیک بر اساس مدل تحلیلی برآمده از چارچوب نظری تحقیق بوده است که به صورت زیر به تصویر کشیده شده است. در جدول شماره ۱۰ اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مورد پژوهش آورده شده است.



شکل (۱): تحلیل مسیر

¹stepwise

جدول (۱۰): نتایج تحلیل مسیر

متغیرها	انواع تأثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
درآمد	۰/۲۶۱	۰/۳۱۶
میزان تحصیلات	۰/۲۸۳	۰/۳۰۶
وضعیت اشتغال	-	۰/۲۷۵
سن	۰/۱۹۳	-
جنسیت	۰/۱۸۵	-

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه شهرها در برنامه‌ریزی و اداره امورشان با مشکلاتی مواجه‌اند که جهت حل این آن‌ها و پاسخگویی به چالش‌های جامعه شهری، نیاز به مشارکت همه اقدار جامعه دارند؛ اما مشارکت واقعی و آگاهانه آنان نیز تنها در سایه وجود و حضور جدی گروه‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی و غیردولتی میسر است که شهروندان را نسبت به حقوق شهروندی، وظایف و تعهداتشان در برابر جامعه شهری و توانایی آنان را در کنترل و اداره محیط اطرافشان آگاه می‌سازند (نوابخش و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۱). آشنایی با حقوق شهروندی در جهان امروزی از آن جهت با اهمیت است که افراد تا نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی نداشته باشند، به آن‌ها عمل نخواهند کرد چراکه حقوق بر مسئولیت‌ها دلالت داشته و در خلأ شکل نگرفته است. پس برای این که حقوق شهروندی مؤثر باشد، شهروندان باید حقوق یکدیگر را بشناسند و آن‌ها را محترم شمارند. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال بررسی رابطه میان پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان شناخت و آگاهی از حقوق شهروندی در پنج حوزه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، جنسیتی و فرهنگی در میان دانشجویان دانشگاه‌های شهر دزفول در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بود. تحلیل فرضیه‌ی نخست مربوط به بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی نشان داد که بین این دو متغیر رابطه‌ی مثبت معناداری وجود دارد. با توجه به این که در این پژوهش این فرضیه بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن برابر با ۰/۱۳۹ و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۴) تأیید شده است، می‌توان این گونه تشریح نمود که با افزایش سطح پایگاه اجتماعی - اقتصادی دانشجویان میزان آگاهی آنان نسبت به حقوق شهروندی نیز بیشتر می‌شود. بدین ترتیب کسانی که از پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری در سطح جامعه برخوردارند میزان آگاهی از حقوق شهروندی‌شان از افرادی که پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسط و پایینی برخوردارند، بیشتر است. این نتیجه با نتیجه پژوهش فتحی و مطلق (۱۳۹۳) مطابقت دارد.

از دیگر نتایج پژوهش تأثیر میزان درآمد دانشجویان بر میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی بود. بر اساس یافته‌ها رابطه معنی‌داری بین درآمد دانشجویان و میزان آگاهی از حقوق شهروندی به دست نیامد. با توجه به این که میزان ثروت (درآمد و دارایی خود و خانواده)، یکی از شاخص‌های مهم پایگاه اجتماعی - اقتصادی است، نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن بین میزان درآمد دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی نشان داد که با افزایش و کاهش میزان درآمد دانشجویان میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی تغییری نخواهد کرد.

همچنین نتایج تحلیل فرضیه‌ی شماره‌ی ۳ نشان داد که وضعیت شغلی دانشجویان بر میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی تأثیری ندارد. هر چند وضعیت شهروندان نسبت به آگاهی از حقوقشان تحت تأثیر گروه‌بندی‌های مختلف اجتماعی است. گروه‌هایی مانند مردان و زنان، شهری و روستایی، باسواد و بی‌سواد، پیر و جوان و نظایر آن، وضعیت بسیار متفاوتی از نظر آگاهی از حقوق شهروندی دارند در نتیجه ارزیابی یکسانی از همه شهروندان امکان‌پذیر نمی‌باشد اما بنا بر نتایج این پژوهش نتیجه گرفت که بین وضعیت شغلی دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه‌ای وجود ندارد. لذا در این راستا از لحاظ آماری فرضیه فوق مورد تأیید قرار نگرفت.

به باور مارشال حقوق اجتماعی در قرن بیستم در شکل مدرن خود با ایجاد نهادهای دولت رفاه شامل نظام ملی آموزش همگانی و خدمات بهداشتی و اجتماعی، توسعه یافتند. این مهم به آموزش و تحصیلات و تأثیر آن بر آگاهی از حقوق شهروندی اشاره دارد. در این پژوهش نیز بین میزان تحصیلات و میزان شناخت از حقوق شهروندی دانشجویان دانشگاه‌های شهر دزفول رابطه معناداری وجود دارد. این رابطه بدین صورت است که هر چه سطح تحصیلات دانشجویان بالاتر می‌رود میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی هم بالاتر می‌رود. در سطح تحصیلات به‌عنوان مؤلفه‌ای اکتسابی، خود فرد مسئولیت مستقیم دارد و می‌تواند با تلاش و کوشش مؤثر، آگاهی خود را افزون کند. افزون بر تلاش فرد، زمینه‌های اجتماعی نقشی کلیدی در این میان دارند. این یافته‌ها در راستای یافته‌های پژوهش‌های زمردی (۲۰۱۰) و بخارایی و همکاران (۱۳۹۶) است. این در حالی است که نتایج فرضیه پنجم نشان می‌دهد که بین جنسیت دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی رابطه وجود داشت. به تعبیر دیگر با توجه به بالاتر بودن میانگین آگاهی از حقوق شهروندی دانشجویان پسر نسبت به زنان دارند. نتیجه این فرضیه با پژوهش بهرامی و همکاران (۱۳۹۶) همخوانی دارد. هرچند به باور فمینیست‌ها شهروندی کامل مستلزم حقوقی فراتر از حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی-اقتصادی است. بخشی از پایین بودن آگاهی از حقوق شهروندی زنان به شرایط سیاسی و بخشی دیگر به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خود زنان مربوط می‌شود. مطرح شدن حقوق جنسیتی در چنین زمینه‌ای مطرح شد که برای رفع شرایطی که منجر به شرایط فرودستی زنان چه در جنبه‌های شناختی و چه در جنبه‌های عینی جامعه می‌شود، زنان باید هم از نظر قوانین اساسی و موضوعه و هم از نظر شرایط فرهنگی عمومی، باید از حقوقی برابر با مردان برخوردار شوند. البته زنان نیز باید با حضور مستمر در عرصه عمومی و حوزه سیاست و بهره‌گیری از رسانه‌های ارتباط جمعی در جهت برابری حقوق شهروندی خود کوشا باشند. چنان‌که به عقیده هابرماس اگر شهروندان جهان بخواهند در کره زمین به سازمان‌دهی خود پردازند و شکلی از نمایندگی انتخابی دموکراتیک را بیافرینند، برای همبستگی هنجارهای خود، مبنایی جز آگاهی ندارند.

در نهایت باید گفت که تفاوت معناداری بین سن دانشجویان و میزان شناخت آنان از حقوق شهروندی تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. به تعبیر دیگر سن تأثیری در آگاهی از حقوق شهروندی نداشته است. نتیجه این متغیر با نتیجه پژوهش شیانی و سپهوند (۱۳۹۴) همخوانی ندارد. لازم به ذکر است که اصلی‌ترین بحث در حیطه حقوق شهروندی خاص زندگی شهرنشینی آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری شهری، شهرنشینی و مدیریت شهری است تا زمینه‌های حمایتی و پیگیرانه از حقوق شهروندی برای شهروندان فراهم آمده و موجبات توسعه پایدار شهری را مهیا کند، عاملی که در پژوهش نوابخش و بذرافشان (۱۳۹۳) بر آن تأکید شده است. بدیهی است که در شناخت و آگاهی از حقوق شهروندی نباید نقش عوامل دیگر را نادیده گرفت. امروزه عواملی مانند رسانه‌های جمعی، میزان مطالعه، مشارکت سیاسی و اجتماعی، وسعت جامعه مدنی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بسیاری عوامل دیگر در آگاهی یافتن از حقوق شهروندی نافذ و تأثیرگذارند.

پیشنهادها

۱. برای بالا بردن و عمق بخشیدن به آگاهی دانشجویان نسبت به حقوق خود، آموزش باید از مدرسه شروع شود. به‌خصوص درس مطالعات اجتماعی که به هدف تربیت شهروند مطلوب، در کتاب‌های درسی جا گرفته است باید بتواند افزون بر حیطه شناختی، در حیطه‌های مهارتی و عواطف نیز رفتارها و احساسات متناسب با شهروندی را تقویت کند.
۲. برای پر کردن خلأ ناشی از تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر آگاهی از حقوق شهروندی در طبقات پایین، آموزش از طریق رادیو و تلویزیون، مطبوعات و دیگر رسانه‌ها، بالا بردن سرانه مطالعه کتاب، تبلیغات در اماکن عمومی، انتشار و توزیع بروشورها در زمینه حقوق شهروندی، برنامه‌هایی برای معرفی و تشویق شهروندان نمونه در سطح شهر و روستا، ادارات و سازمان‌ها، از جمله اقدامات در این زمینه می‌تواند باشد.

۳. رفع محدودیت‌ها در آگاهی از حقوق شهروندی؛ مانند رفع تبعیض از حقوق زنان و اقلیت‌های مختلف، کنار گذاشتن قوانین دست‌وپاگیر و تبعیض‌آمیز، کاهش فاصله طبقاتی در جهت مثبت و بالا بردن سطح زندگی، حرکت به سمت برابری کامل در برخورداری از حقوق شهروندی کامل به‌دوراز هرگونه تبعیض اجتماعی از جمله این موانع است.
۴. آگاه‌سازی به‌خودی‌خود، درمان نیست، بلکه این آگاه‌سازی باید با پشتوانه اجرایی مناسب و قوی همراه باشد تا به‌عنوان زیربنای محکم و چارچوبی کنترل‌کننده و کاهش‌دهنده بسیاری از مشکلات و مسائل در جامعه باشد. گرچه بنا بر موضوع و ماهیت این پژوهش تأکید بر حقوق شهروندی و آگاهی از آن بوده اما این یک روی سکه است روی دیگر مسئولیت‌های شهروندی است که شامل وظایف و تعهدات می‌شود. تأکید صرف بر آگاهی از حقوق شهروندی و غفلت از مسئولیت‌ها، شهروندان را به انسان‌هایی صرفاً مطالبه‌گر تبدیل می‌کند که هیچ وظیفه و تعهدی در مقابل دولت، جامعه و دیگر شهروندان احساس نمی‌کنند. باید به موازات رشد آگاهی از حقوق شهروندی، آگاهی از وظایف و تعهدات نیز افزایش یابد. شهروند خوب هم باید مُحق باشد و هم مُکلف.

منابع

۱. ابراهیمی، سیده مریم و مظفرالدین شهبازی (۱۳۹۲)، بررسی آگاهی زنان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، فصلنامه دانش انتظامی زنجان، سال دوم، شماره ششم، صص ۱۶۱-۱۲۸.
۲. ارسطو (۱۳۷۱) سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
۳. ایران‌منش، محمدرضا (۱۳۹۴) مفهوم شهروندی، تهران: نگاه معاصر، چاپ اول.
۴. بهرامی، ولی؛ تاج مزینانی، علی‌اکبر و حسین امیری (۱۳۹۶)، تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش‌آموزان (مورد مطالعه: شهرستان بلدختر)، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، دوره هشتم، شماره ۳۳، صص ۱۱۶-۸۱.
۵. بخارایی، احمد؛ شرتیان، محمدحسن و لیلا کبیری (۱۳۹۶)، تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت شهروندی فرهنگی (مطالعه موردی: شهروندان تنکابن)، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۸، شماره ۲، صص ۲۱۶-۱۷۹.
۶. حسام، فرحناز (۱۳۸۱)، هویت شهروندی، ماهنامه شهرداری‌ها، سال پنجم، شماره ۵۱، صص ۱۳-۱۱.
۷. داودوندی، طاهره (۱۳۸۹)، تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان، فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۵، صص ۳۰-۳۵.
۸. ذکائی، محمدسعید (۱۳۸۰)، بررسی تطبیقی سیاست‌های ادغام اجتماعی و شهروندی در اروپا، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸، صص ۸۸-۶۹.
۹. شیانی ملیحه و ابراهیم سپهوند (۱۳۹۴)، رسانه و شهروندی، مطالعه تأثیر استفاده از رادیو و تلویزیون بر آگاهی از حقوق شهروندی در شهر خرم‌آباد، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۲۲۳-۱۸۸.
۱۰. فالکس، کیث (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دل‌افروز، تهران: نشر کویر.
۱۱. فتحی، مرضیه و معصومه مطلق (۱۳۹۳)، عوامل مؤثر بر آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه کردستان سال ۹۴-۹۳، اولین کنفرانس ملی شهرسازی و توسعه پایدار، تهران: مؤسسه ایرانیان.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
۱۳. محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران، تهران: شورای فرهنگ عمومی کشور.
۱۴. محمدی، محمدعلی و ملیحه شیانی (۱۳۹۲)، هویت شهروندی در ایران، تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۱۵. نوابخش، مهرداد؛ بشیری گیوی، حسن و سروش فتحی (۱۳۹۸)، تبیین جامعه‌شناختی نقش نهادهای مدنی در برقراری دموکراسی محلی در شهر تهران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره اول، صص ۳۵-۲۴.

۱۶. نوابخش، مهرداد و محمد بذرافشان (۱۳۹۳)، بررسی میزان سنجش توسعه پایدار شهری در شهر شیراز در ده سال اخیر، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ششم، شماره سوم، صص ۵۰-۶۹
۱۷. نوابخش، مهرداد (۱۳۸۵)، بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی، فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آشتیان، سال دوم، شماره یک، صص ۱۲-۲۹
۱۸. نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۸۳)، مبانی جامعه‌شناسی، تهران: نشر توتیا
۱۹. نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمدتقی دل‌افروز، تهران: انتشارات سمت

1. Brown, A. & Kristiansen, A. (2009). Urban Politics & the Right to the City: Rights, Responsibilities and Citizenship, Habitat, Denmark, UNESCO.
2. -Ezmerli, S. (2010) Social capital and norms of citizenship: an ambiguous relationship? American behavioral Scientist 53 (5), 657-676
3. -Kotzian, P. (2009). Norms of citizenship: Their patterns, Determinants, and effects in a cross-national Perspective. Working paper. Available from: <http://ssrn.com/abstract=1512490>